

بررسی تطبیقی ماهیت حقوقی و شرایط استحقاق نفقه اقارب در حقوق ایران و انگلستان

سیامک جعفرزاده*^۱، حمید علیزاده^۲

چکیده

بعد اقتصادی در خانواده، رشد فرهنگی و تربیتی افراد را مهیا می‌سازد. از مهم‌ترین ابعاد اقتصادی در خانواده، تکلیف نفقه اقارب و الزام افراد متمکن به تأمین معاش اقربای بی‌بضاعت خانواده است. در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به ماهیت حقوقی نفقه اقارب و مقایسه شرایط استحقاق آن در حقوق ایران با سیستم حقوقی انگلستان پرداخته می‌شود. با مقایسه و تطبیق حقوق اقارب این نتیجه به دست می‌آید که نفقه اقارب در نظام حقوقی ایران و انگلستان بسیار متفاوت است، به‌گونه‌ای که در انگلستان تنها اولاد و زوجه مستحق نفقه هستند. در حالی که قوانین موضوعه ایران، تنها به نزدیکانی توجه دارد که رابطه خونی یا خویشاوندی با یکدیگر دارند. البته نقاط اشتراکی مانند معیار تعیین عرفی میزان نفقه و مصادیق و اجزاء نفقه اقارب در این دو نظام دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها

اقارب، زوجه، فرزندان، نفقه، ضمانت اجراء.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران (نویسنده مسئول)
jafarzadeh_siamak@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران
ha.alizadeh@urmia.ac.ir

مقدمه

نهاد خانواده سنگ بنای مهم حیات اجتماعی است و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و فرهنگ و تمدن انسانی دارد. خانواده نخستین مدرسه‌ای است که انسان در آن آموزش می‌یابد و با اصول زندگی اجتماعی و روش تفاهم با دیگران آشنا می‌شود. خانواده ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و اسباب رشد عاطفی و اخلاقی و اجتماعی افراد را فراهم می‌کند. عدم توجه به اهمیت و نقش خانواده موجب افزایش خشونت و اضطراب و ناامنی و بحران‌های اجتماعی می‌شود؛ از این رو، تقویت بنیان این نهاد از جوانب مختلف مالی و فرهنگی و تربیتی درخور اهمیت است و الزام به انجام تکالیف و وظایف افراد در قبال نفقه باید به موجب قوانین مقرر شود؛ علاوه بر این، ضمانت اجرای آن نیز باید به نحو صریح مقرر شود؛ زیرا تأمین معیشت اقتصادی و روانی خانواده می‌تواند زمینه‌ساز رشد فرهنگی و تربیتی خانواده باشد. دیدگاه‌های گوناگونی درباره بعد اقتصادی خانواده در نظام‌های مختلف اجتماعی از اعصار گذشته تاکنون به چشم می‌خورد. عملکرد اقتصادی هر فرد یا جامعه نیز تحت تأثیر شناخت این نهاد است (ارشدی، سلیمی‌فر، ناجی‌میدانی، و مهرام، ۱۳۹۴، ص ۴۶)؛ بنابراین آنچه باید به آن توجه شود، تقویت بنیان این نهاد از جوانب مختلف مالی و فرهنگی و تربیتی است. هدف قوانین و آموزه‌ها، تکلیف نفقه اقارب و الزام افراد متمکن به تأمین معاش نزدیکان بی‌بضاعت خانواده است. تضمین حقوق افراد ضعیف و سالخورده از طریق مکلف کردن اقربای متمکن، باید جنبه عینی و واقعی داشته باشد. مفهوم خانواده و مبنای این تعهد قانونی و همچنین الزام مکلفان نفقه به تأمین هزینه‌های خویشاوندان نزدیک، در جوامع مختلف، متفاوت است (اکبرینه، ۱۳۷۲، ص ۱). جوامع مختلف رویه‌های مختلفی در این زمینه در پیش گرفته‌اند. حقوق انگلستان از آن حیث که مدافع زنان است، درخور توجه است؛ از این رو برای شناسایی جایگاه حقوق ایران در حمایت از اقارب و بررسی نقاط ضعف آن، به مطالعه تطبیقی حقوق ایران با نظام حقوقی انگلستان پرداخته شد. سؤالات اساسی نوشتار عبارت است از: منظور از اقارب و دایره شمول آن، کدام افرادند؟ ماهیت و مبنای نفقه اقارب در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان چیست؟ آیا ضمانت اجرای نفقه در حقوق ایران و انگلستان کارآمد تلقی می‌شود؟ کدام نظام حقوقی رویکرد کارآمدتری

در قبال نفقه‌ی اقارب در پیش گرفته است؟

مفهوم‌شناسی مصطلحات

الف. نفقه

نفقه اسم مصدر از «نقق» به معنی «فانی و نابود شد»، است (فیومی مقری، ۱۴۱۸ هـ ج ۱، ص ۳۱۸). و برخی از اهل لغت نیز نفقه را آن چیزی شمرده‌اند که می‌بخشند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ص ۸۱۹).

نفقه در معنای اصطلاحی از تعاریف اهل لغت دور نشده است و برای اموالی به کار می‌رود که منفق برای افراد واجب‌النفقه صرف می‌کند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ هـ ص ۲۸۲). به این ترتیب عنوان نفقه را می‌توان به مواردی اطلاق کرد که از یک سو، مال از مالکیت منفق خارج و نابود شده است و از سوی دیگر موجب رونق حال افراد واجب‌النفقه می‌شود. اسباب نفقه عبارت است از زوجیت و قرابت و مالکیت (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۱۹۲). موضوع مقاله حاضر، نفقه اقارب است.

ب. اقارب

قرابت به معنای خویشاوندی است (صفایی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۰). از آنجایی که در منابع فقهی و حقوقی در کشور ایران مفهوم اقارب، مفهومی بیگانه و ناشناخته نیست، در این منابع کمتر به تعریف اقارب پرداخته شده و عمده مطالب موجود در خصوص اقسام اقارب بیان شده است.

قرابت از نظر قانون مدنی سه نوع است: قرابت نسبی، قرابت سببی، قرابت رضاعی (صفایی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۰). قرابت نسبی، خویشاوندی خونی است که برگرفته از روابط بین اشخاص از طریق نسل است. این نوع قرابت بین کسانی وجود دارد که دارای خون و نیاکان مشترک هستند. قرابت نسبی خود به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱. قرابت در خط عمودی؛ ۲. قرابت در خط اطراف. قرابت سببی نیز از ازدواج ناشی می‌شود و شامل رابطه‌ای است که بین زن و شوهر و هر یک از زوجین با اقارب نسبی دیگری ایجاد می‌شود. قرابت رضاعی، خویشاوندی از طریق شیرخوردن از کسی است که مادر نسبی وی نیست. این

نوع قرابت پیش از اسلام در بین عرب ها وجود داشت و از احکام امضایی دین اسلام است. قرابت رضاعی در حقوق اسلامی مستند به قرآن و سنت و اجماع است. از این رو تنها از حیث حرمت نکاح موثر است و آثار انفاق و توارث مانند قرابت نسبی را ندارد/صفایی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۶).

اقسام نفقه از حیث منفق علیه

در نظام حقوقی دو کشور ایران و انگلستان افرادی واجب النفقه هستند. علت و سبب این امر در حقوق ایران منبعت از آیات^۱ و روایات و مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۹۹ و ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی ایران و قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ است. در نظام عرفی انگلستان نیز مرد موظف به تأمین نفقه^۲ زوجه و فرزندان است. همچنین، قوانینی مانند قانون الزامات پرداخت نفقه ۱۹۲۰م، قانون الزامات نفقه ۱۹۵۸م، قانون مسائل زناشویی ۱۹۷۳م، قانون دعاوی خانوادگی ۱۹۷۸م و قانون اجرایات نفقه ۱۹۹۱م در حقوق انگلستان درخصوص پرداخت نفقه لازم‌الرعايه است.

در حقوق ایران مطابق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی نفقه^۳ زوجه دائم و زوجه منقطع با شرط نفقه، به عهده شوهر است. به علاوه مطابق مواد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰ قانون مدنی نفقه^۴ فرزندان و پدر و مادر بر عهده فرزندان است؛ از این رو، مطابق قانون مدنی سه گروه (همسر، فرزندان و پدر و مادر) مشمول نفقه هستند. با توجه به شخصیت منفق علیه که در مواد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰ این قانون به آن اشاره شده است، می‌توان انواع نفقه^۵ اقارب را به دو بخش تقسیم کرد: الف. نفقه اولاد، ب. نفقه ابویین و اجداد. ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی قاعده کلی الزام به انفاق اقارب نسبی را بیان، و مقرر کرده است: «در روابط بین اقارب، فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی و نزولی، ملزم به انفاق یکدیگرند» و فرزندان را در خط عمودی نزولی قرار داده است، لکن ماده ۱۱۹۹ از همین قانون به صورت اخص، نفقه^۶ فرزندان را بر عهده پدر و اجداد پدری با رعایت الاقرب فالاقرب قرار داده است و همچنین در صورت

۱. بقره، ۲۳۳؛ نساء، ۳۴.

عدم وجود پدر یا اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها بر عهده‌ی مادر است. بدیهی است که پرداخت نفقه توسط پدر و اجداد پدری یا دیگر اقارب واجب الانفاق مقرر در قانون جنبه‌ی سرپرستی و حمایتی از فرزندان را دارد و از آنجاکه مدت خاص یا محدوده‌ی زمانی مشخص در قانون برای آن تعیین نشده است، تا زمان نیاز به حمایت، حتی بعد از بلوغ و رشد، پدر و اجداد پدری مکلف به انفاق اولاد خود هستند. در صورتی که اجداد نفقه‌ی اولاد را بر عهده بگیرند، انفاق‌کنندگان متعدد می‌شوند و در این صورت مسئله تقدم و تأخر انفاق‌کنندگان ایجاد می‌شود که در این رابطه ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی تعیین تکلیف کرده و ترتیب آن را به قرار زیر معین ساخته است: وظیفه‌ی انفاق در وهله‌ی نخست بر عهده‌ی پدر و در مرحله دوم اجداد پدری و در مرحله سوم بر عهده‌ی مادر است. البته با توجه به عدم توانایی یا عدم وجود هر یک از طبقات و افراد مذکور، نوبت به طبقات بعدی می‌رسد. در ادامه این ماده قانونی آمده است که در صورت وجود مکلفان به انفاق متعدد، در درجه‌ی قرابت مساوی، نفقه به حصه‌ی مساوی بر عهده‌ی تمام آنها است. قانون‌گذار به‌رغم وجود قاعده کلی در ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۹۹ را به‌طور اخص دریاژه‌ی انفاق به اولاد وضع کرده، درخصوص انفاق به ابویین و اجداد نیز در ماده ۱۲۰۰ از همین قانون به‌طور خاص صحبت شده است. از صراحت این ماده قانونی می‌توان بیان کرد در پرداخت نفقه پدرومادر، فرزندان (پسر یا دختر) وظیفه دارند که - در صورت نیاز پدرومادر - نفقه‌ی آنها را بپردازند، یعنی در اینجا از نظر قانونی هیچ تفاوتی میان فرزند پسر و دختر نیست و هیچ‌یک از دو جنس بر دیگری برتری ندارد. از عبارت الاقرب فالاقرب معلوم می‌شود که اگر اولاد وجود نداشته باشند یا توانایی پرداخت خرجی پدرومادر خود را نداشته باشند، نوبت به اولاد اولاد می‌رسد و پایین‌تر. به‌علاوه از اطلاق این ماده و مواد دیگر قانون مدنی که درباره‌ی این موضوع است، استنباط می‌شود که فرقی بین فرزند صغیر و فرزند کبیر و حتی مسلمان یا کافر نیست. به‌علاوه از ماده‌ی مزبور و مواد دیگر قانون مدنی (۱۱۹۶ و ۱۲۰۱) استنباط می‌شود که نفقه‌ی اجداد نیز با اولاد است، هرچقدر که پایین برود؛ اما این امر در مورد سایر اقارب مصداق ندارد.

در حقوق انگلستان تنها زوجه و فرزندان مشمول نفقه‌اند و مطابق ماده ۵۲ قانون مسائل

زناشویی ۱۹۷۲ نفقه مشمول فرزند ناتنی هم می‌شود؛ باوجوداین، در حقوق انگلستان با شرط قرارداد دامنه شمول نفقه توسعه پیدا می‌کند. بعلاوه در حقوق انگلستان ملاک زندگی مشترک زوج و زوجه است که ممکن است انعقاد عقد نکرده باشند. البته این امر در حقوق ایران مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی در صورتی که شخص مشمول سه گروه فوق نباشد، امکان‌پذیر است؛ بنابراین دامنه الزامات شمول نفقه در حقوق ایران وسیع‌تر است. بدین معنا که در قوانین موضوعه ایران در باب نفقه، تنها از نزدیکانی سخن گفته شده است که رابطه خونی یا خویشاوندی با یکدیگر دارند. پس اقارب در حقوق ایران منظور زوجه، اولاد و ابویین است/جعفری/نگرودی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۲. در حقوق ایران نفقه زوجه از امتیازات خاصی بهره‌مند است و از آثار وضعی ازدواج و نوعی حق مالکانه و دین است؛ ازاین‌رو در صورت عدم پرداخت نفقه، زوجه دینی بر ذمه زوج ندارد و ساقط نمی‌شود. درحالی‌که نفقه اقارب بدین نحو نیست و ناشی از تعهد است و در صورت عدم پرداخت ساقط می‌شود، لیکن در انگلستان منشأ آن تعهد است و تفاوتی با دیگر نفقه‌ها ندارد. دامنه تعهد در انگلستان به فرزند ناتنی و نفقه ناشی از قرارداد، توسعه می‌یابد.

اقسام نفقه در دو نظام حقوقی

در حقوق مدنی ایران دو نوع نفقه به‌صورت کلی پذیرفته شده است: نفقه زوجه و اقارب. نفقه زوجه که پس از عقد دائم بر ذمه شوهر است، البته درباره نفقه ایام عقد بدون نزدیکی زوجین، در میان فقها اختلافاتی وجود دارد. برخی بر این عقیده‌اند که بدون تمکین نفقه تعلق نمی‌گیرد/حلی، ۱۴۱۰هـ ص ۴۵/ و برخی دیگر به مجرد وقوع عقد، نفقه را الزامی می‌دانند/سبزواری، ۱۴۲۳هـ ص ۱۹۵. این نظر موافق قانون مدنی است که در ماده ۱۱۰۲ به مجرد وقوع عقد، حقوق و تکلیف زوجین را برقرار دانسته است؛ ازاین‌رو تکلیف به نفقه از تاریخ شروع عقد نکاح است، زیرا علت حکم نفقه وقوع عقد است، نه تمکین. علاوه‌براین، هدف از الزام نفقه، حمایت از زوجه است. نوع نفقه مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران همه نیازهای متعارف و متناسب زوجه است که می‌تواند به‌صورت نقدی و غیر نقدی باشد. این امر نیز در خصوص اقارب به‌مانند اولاد و ابویین جاری است. معیار اساسی تقسیم‌بندی انواع نفقه در نظام حقوقی

انگلستان بیشتر بر مبنای نحوه پرداخت، اعم از زمان و چگونگی پرداخت است که براین اساس، اصطلاحات خاصی در مورد هر یک از انواع نفقه وجود دارد که هرکدام از آنها ناظر به شرایطی خاص است؛ از این رو در حقوق انگلستان نفقه زوجه و فرزندان نیز همانند ایران به صورت نقدی و غیرنقدی است که همان هزینه‌های متعارف زندگی است. در ادامه تعریف انواع نفقه بیان شده است: ۱. نفقه مستمر^۱ نوعی تأسیس خاص است که مرد می‌تواند حتی پس از مرگش نفقه منفق علیه (همسر یا فرزندان) را بر عهده بگیرد؛ ۲. ودیعه نفقه^۲ مالی است که مرد برای تضمین پرداخت نفقه پرداخت می‌کند؛ ۳. نفقه جریان دادرسی (نفقه موقت) نفقه‌ای است که در هنگام طلاق، شوهر به دستور دادگاه تا تعیین تکلیف نهایی به منفق علیه (همسر و فرزندان) پرداخت می‌کند؛ ۴. نفقه یکجا و کلی نفقه‌ای است که منفق مکلف به پرداخت یکجای آن به منفق علیه است (Jerald, 1976, P.107)؛ به عبارت دیگر کلمه (Maintenance) به معنای نفقه فرزندان و همسر در زمان زندگی با منفق است و کلمه (Alimony) کلمه‌ای مترادف با (Maintenance) است، اما با دایره شمولیت مضیق‌تر و محدودتر و درباره نفقه‌هایی است که پس از ایجاد تفرق جسمانی میان منفق و منفق علیه (همسر و فرزندان)، به موجب حکم دادگاه، منفق ملزم به پرداخت نفقه می‌شود (Blak, 1979, P.250). معیار تقسیم‌بندی انواع نفقه در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان با هم تفاوت دارد؛ به طوری که معیار اساسی که در فقه امامیه و قانون مدنی ایران پذیرفته شده است و عمده فقها بر آن اتفاق نظر دارند، تقسیم انواع نفقه بر مبنای شخص منفق علیه است.

ماهیت حقوقی نفقه اقارب و شرایط استحقاق آن

در واقع نفقه اقارب ماهیتاً چیزی جز التزام و تعهد صرف نیست (عبیدی پور و جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲، ص ۴۳)؛ از این رو در صورت عدم پرداخت، دینی ایجاد نمی‌کند. در خصوص ماهیت نفقه اقارب بنا به نظر قریب به اتفاق فقها باید میان مصادیقی از نفقه که در نتیجه استعمال

1. permanent Alimony
2. Alimony trust

از بین نمی‌روند و مصادیقی که در نتیجه استعمال از بین می‌روند، قائل به تفصیل شد. مصادیقی مانند غذا و لباس که موجب تلف عین می‌شود زن مالک است و می‌تواند هر نوع تصرفی بکند/ *عاملی جبعی*، ۱۴۱۶هـ ص ۵۹۴؛ *خوبی*، ۱۴۱۰هـ ص ۳۹۵. در خصوص مصادیق غیر استهلاکی مانند مسکن و فرش، اتفاق به معنای تملیک نیست و منفق علیه تنها حق استفاده از آنها را دارد/ *محمدی‌نسب و نظری کله‌جویی*، ۱۳۹۷، ص ۲۰۳. در خصوص نفقه به‌طور کلی، چه نفقهٔ زوجه و چه نفقهٔ اقارب، این نکته وجود دارد که منفق علیه تنها حق انتفاع از اجزاء نفقه را خواهد داشت. استفاده‌کردن و منتفع‌شدن از اموال استهلاکی و از بین‌بردن عین این‌گونه اموال نوعاً مالکانه است؛ اما به علت از بین‌رفتن عین این اموال دیگر نمی‌توان تملیک را به این دسته از اجزاء نفقه منتسب کرد. برخلاف آن، اموال غیر استهلاکی هستند که با انتفاع از آنها عین باقی می‌ماند و چون اصل بر اباحه انتفاع در این اموال است؛ با وجود این، استفاده نیاز منفق علیه، تنها استفاده انتفاع تجویز شده است و پس از رفع نیاز منفق علیه، منفق می‌تواند به آن رجوع کند. برخی از حقوقدانان معتقد هستند چون تملیک به منظور رفع احتیاج است، بنابراین همیشه با این شرط ضمنی همراه است که با بی‌نیاز شدن منفق علیه تملیک از بین می‌رود. همان‌گونه که وجود خیار شرط برای فروشنده مانع تملیک مبیع به خریدار نیست؛ بنابراین تملیک مال به منفق علیه با شرط فاسخ ضمنی همراه است و هم‌چنین حق فروش و سایر تصرفاتی که موجب اتلاف شود، از مالک سلب شده است/ *حلی*، ۱۴۰۸هـ ص ۵۸؛ *نجفی*، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱؛ *کاتوزیان*، ۱۳۹۶، ص ۳۱۹. در صورتی که موضوع نفقه بعد از تسلیم به منفق علیه تلف شود و علت آن خواه تقصیر منفق علیه باشد، یا حوادث خارجی، منفق ملزم به تهیه دوباره آن است، چراکه موجب استحقاق منفق علیه نیاز او است نه علت آن و همین امر برای لزوم تأمین مجدد نفقه توسط منفق کفایت می‌کند.

پس از بررسی قوانین و نظریات دکترین حقوقی در خصوص بررسی ماهیت حقوقی نفقه در انگلستان و بررسی رابطه مالکانه اولاد به‌عنوان تنها مصداق اقارب مستحق النفقه نسبت به نفقه، پی برده می‌شود که با وجود نهادهای حمایت اجتماعی از کودکان و قوانین خاص حمایتی از آنان چنین برداشت می‌شود که قوانین متعدد در نظام حقوقی انگلستان از جمله «قانون حمایت از کودکان» مصوب ۱۹۹۵م و «وصول و اجرای دیگر انواع نفقه» مصوب

۱۹۹۱م به صراحت والدین را ملزم به انفاق فرزندان نشان کرده است و این پرداخت نفقه به لحاظ حمایت مالی از فرزندان است؛ از این رو، نفس حمایت از کودکان جنبه تبریعی بودن انفاق به فرزندان را به ذهن متبادر می‌سازد و هیچ‌گونه دلیلی بر رد این امر تاکنون مشاهده نشده است. همچنین از روش عملکرد «آژانس حمایت از کودکان» و «مأمور حمایت‌کننده از کودکان» چنین برمی‌آید که برای نگهداری از کودکان و پذیرفتن سرپرستی آنها به یکی از سه روش زیر اقدام می‌شود:

الف. این آژانس از کودکانی که والدین غایب دارند یا والدین حاضر به نگهداری از آنها نیستند، حمایت می‌کند. در این حالت شخصی که متقاضی سرپرستی فرزند است، برای نگهداری درخواست وجه می‌کند که در این صورت سازمان این وجه را به وی می‌پردازد. در مقابل سرپرست به سازمان اجازه می‌دهد به نحوی این هزینه را از والدین غایب دریافت کند.

ب. متقاضی سرپرستی درخواست وجه نمی‌کند، لکن در صورت پیداشدن والدین غایب، سرپرست کودک حق دارد برای دریافت هزینه‌های انجام شده به آنها مراجعه کند.
ج. متقاضی سرپرستی از سازمان وجهی دریافت نمی‌کند، لکن آژانس مطابق با برآورد هزینه زندگی کودک این هزینه‌ها را از والدین او که نمی‌خواهند حضانت فرزندان را بر عهده بگیرند، به صورت دوره‌ای یا یکجا مطالبه می‌کند.

از نظام حاکم بر حمایت از فرزندان و آنچه بیان شد، این نکته مشترک برداشت می‌شود که تمام این حمایت‌ها را سرپرست یا آژانس حمایت از کودکان به ولایت از والدین انجام می‌دهند و در متون قانونی مزبور از اینکه فرزندان در مقابل انفاق والدین یا سرپرست، تکالیفی از باب انفاق داشته باشند یا اینکه والدین یا سرپرست حق رجوع به انفاق‌های انجام شده را داشته باشند، سخنی به میان نیامده است. آنچه گفته شد فقط مالکیت فرزندان بر نفقه‌ها و هزینه‌های پرداخت شده را به ذهن متبادر می‌سازد. این امر خلاف چیزی است که در نظام حقوقی ایران دیده می‌شود. چون تنها مصداق اقارب در انگلستان اولاد است، اباحه انتفاع از نفقه در انگلستان برای اولاد منتفی است، در حالی که در نظام حقوقی ایران، وضعیت دوگانه‌ای برای اقارب در نظر گرفته شده است و مبنای انفاق به اقارب را نیاز

منفق علیه و تقابل در انفاق بیان می‌کند. در نظام انگلستان هیچ تفاوتی بین نفقه‌های مصرف شدنی و پایدار قائل نیستند و آنچه انفاق می‌کنند در ملکیت منفق علیه درمی‌آورند و مبنای انفاق به اولاد به‌عنوان تنها مصداق اقارب مستحق النفقه، سرپرستی والدین نسبت به فرزندان است. شایان ذکر است که چرایی تنها مصداق اقارب مستحق النفقه در انگلستان، به‌خاطر وجود نهادهای اجتماعی حمایتی از اشخاص بی‌کار و ازکارافتاده و سالمند است؛ بنابراین در جایی که فردی به هر دلیلی از ادامه کارکردن متعذر باشد یا قادر به تأمین معاش خود نباشد، نهادهای حمایتی مانند نظام تأمین اجتماعی، از منابع مالیاتی که اشخاص و آحاد جامعه پرداخت می‌کنند، هزینه معاش و درمان و پوشاک و مسکن وی را تأمین می‌کنند؛ به‌همین علت، در این نظام حقوقی، انفاق متقابل برای فرزندان نسبت به والدین دیده نمی‌شود (Bromley, 1976, P.50).

شرایط استحقاق نفقه

از نظر قانون مدنی ایران و فقه امامیه نخستین شرط برای وجوب منفق به پرداخت نفقه وجود رابطه قرابت نسبی عمودی (صعودی یا نزولی) است. همان‌گونه که در ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی آمده: «در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق به یکدیگرند»؛ بنابراین، شرط لازم برای وجوب به پرداخت نفقه، وجود رابطه نسبی (خویشاوندی نسبی) در خط عمودی است. با مطالعه اصول استنباط فقهی درباره شرط معقول برمی‌آید که وجود تمکن مالی منفق دومین شرط از شروط لازم بر وجوب انفاق به اقارب است. پس تمکن منفق یکی از شرایط است و البته این شرط از شرایط عقلی و عمومی است، یعنی به‌طور کلی هر تکلیفی، مشروط به تمکن است و عقل حکم می‌کند که اگر تمکن نیست، تکلیف هم نباشد؛ به‌همین جهت، این شرط را شرط عقلی نامیده‌اند. از متن قانون و مبانی فقهی حاکم بر حقوق ایران چنین استنباط می‌شود که شرط سوم وجوب انفاق بر خویشاوند، فقر و احتیاج او است. قانون مدنی در ماده ۱۱۹۷ این شرط را به‌صراحت بیان کرده است: «کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به‌وسیله اشتغال به شغلی وسایل معیشت خود را فراهم سازد». باید در تفسیر این ماده قانونی از نظر فقهی

بیان داشت که شرط لازم برای استحقاق نفقه «نداربودن» و «عدم توان رفع حوائج خود و خانواده» است؛ اما اینکه چه شخصی ندار و ناتوان از تأمین حوائج خود، تشخیص داده شود، نیازمند معیارهایی تعریف شده است. در این خصوص، برخی از فقهای امامیه، شخصی را «ندار» می‌دانند که هزینه تأمین معاش یک سال خود و خانواده‌اش را نداشته باشد و نتواند آن را از راه کسب به تدریج تحصیل کند و برخی دیگر حتی این مدت ناتوانی در تأمین معاش خود و عیال را یک روز می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۶، ص ۳۷۱). برخی دیگر از دکترین حقوقی «متقابل بودن در پرداخت نفقه اقارب» را از شرایط استحقاق نفقه اقارب دانسته و تفسیر کرده‌اند. لکن به نظر می‌رسد این بحث خارج از شروط و شرایط استحقاق باشد، چراکه تقابل در پرداخت، در تعریف هیچ‌یک از شروط نمی‌گنجد، نه شرط لازم است و نه شرط کفایی، بلکه در ذات پرداخت نفقه اقارب گنجانده شده است و بیشتر جزء خصوصیات ذاتی نفقه اقارب است و آن هم به علت ذات نسبت و قرابت نسبی عمودی است نه ذات نفقه یا شرایط استحقاق آن.

در حقوق انگلستان تنها مصداق اقارب مستحق النفقه اولاد هستند و قوانین و ضوابط خاصی بر روابط بین اولاد و والدین حاکم است. شرایط استحقاق نفقه در نظام حقوقی انگلستان بیشتر با همین محوریت است. بخش یک قانون ۱۹۹۱ (وصول و اجرای دیگر انواع نفقه) والدین را ملزم به پرداخت نفقه فرزندان خود کرده و تکلیف انفاق به فرزندان، هم بر عهده پدر گذاشته شده است، هم مادر. بخش دو این قانون نیز مقرر داشته است که پدر غایب ملزم به پذیرش مسئولیت انفاق فرزند خود است و باید با در نظر گرفتن وضعیت فرزند، به صورت دوره‌ای نفقه او را بپردازد. بخش یک قانون ۱۹۹۱ در این خصوص فرزند حائز شرایط را تعریف می‌کند و همچنین بخش سوم این قانون بیان می‌کند نفقه‌ای که والدین پرداخت می‌کنند، برای حمایت از کودک است و از آن به «نفقه حمایتی کودک» یاد می‌کند. شرایط استحقاق نفقه در حقوق انگلستان به دو بخش تقسیم شده است: الف. شرایط والدین، ب. شرایط کودک.

نخستین شرط برای ایجاد قرابت، وجود رابطه زوجیت بین زن و مرد است. این رابطه زوجیت اعم است از «زوج ازدواج کرده» و «زوج ازدواج نکرده». در نظام حقوقی انگلیس

صرف اراده زوجین بر زندگی مشترک و ایجاد رابطه زناشویی ولو بدون عقد نکاح به صورت رسمی، به تشکیل خانواده می‌انجامد؛ بنابراین وجود عقد نکاح شرط لازم برای شکل‌گیری یک خانواده نیست و زن و مردی که به‌عنوان زن و شوهر با یکدیگر زندگی می‌کنند نیز خانواده محسوب می‌شوند. در نتیجه یک شرط لازم بر وجوب انفاق به کودکان، وجود رابطه زوجیت والدین به معنای عام کلمه است. در قانون «حمایت از کودکان» مصوب ۱۹۹۵م معیار نسبتاً دقیقی از فرزندان واجب‌النفقة بیان شده است. منطبق بر قانون، کودک را شخصی می‌داند که:

الف. سن او کمتر از ۱۶ سال تمام باشد و ازدواج نکرده باشد.

ب. سن او کمتر از ۱۹ سال و خود او در حال تحصیل باشد و به مقاطع عالی یا تحصیلات تکمیلی نرسیده باشد.

از صراحت این ماده می‌توان نکات زیر را استنباط کرد: در بند(الف) این ماده قانونی دو شرط برای استحقاق نفقه اولاد بیان کرده است: اولاً زیر ۱۶ سال تمام باشد، دوماً ازدواج نکرده باشد. از بیان قانون‌گذار چنین برمی‌آید که سن رشد و یا بلوغ اجتماعی برای تشکیل خانواده و استقلال وی، ۱۶ سالگی است، به‌گونه‌ای که احتمال ازدواج و قبول مسئولیت او وجود دارد. از طرفی در بند(الف) این ماده قانونی، به صورت مطلق ازدواج نکردن بچه را شرط کرده است؛ بنابراین، حتی اگر یک‌بار ازدواج کرده و از همسرش جدا شده باشد، یا عقد نکاح وی باطل تشخیص داده شود، او ازدواج کرده دانسته می‌شود و دیگر استحقاق نفقه را ندارد. نتیجه به دست آمده این است که اصل بر عدم انجام ازدواج است. همان‌گونه که در متون قانونی پیشین بیان شد، میان زوجین ازدواج کرده و ازدواج نکرده در خصوص تشکیل خانواده، تفاوتی در پرداخت نفقه فرزند نیست، می‌توان استنباط کرد که غرض قانون‌گذار در بند(الف) از بیان کلمه ازدواج، مراسمی است که رابطه زناشویی به صورت قانونی و مطابق با قانون ازدواج و زناشویی و رسمی شکل گرفته است. در ادامه این ماده قانونی در بند(ب) آن شرایطی تکمیلی قید شده است: «زیر ۱۹ سال داشته و در حال تحصیل باشد و نوع تحصیل عالی و یا تکمیلی نباشد». در ابتدای این بند با قیدکردن زیر ۱۹ سال داشته باشد، این شبهه را به ذهن متبادر می‌سازد که شاید با بند(الف) این ماده قانونی در تعارض باشد،

لکن بهترین و عقلایی‌ترین تفسیر آن است که بین بند(الف) و(ب) اجتماع ایجاد شود و شرط سنی در بند(ب) بین ۱۶ تا ۱۹ سال باشد؛ به‌علاوه شرایط تحصیلی فرد با شرایط موجود در ادامهٔ بند(ب) این ماده از قانون حمایت از کودکان، منطبق باشد. ابتدای بند(ب) این ماده از قانون مذکور مقید به وجود شرایط انتهایی این بند است. غیر از مطالب بیان‌شده و شروط مندرج در بندهای(الف) و(ب) ماده ۵۵ موجود در بخش یک از قانون حمایت از کودکان، شرط دیگری نیز در ماده ۵۲ قانون اسباب و علل زناشویی مصوب ۱۹۷۳م در این خصوص مقرر می‌دارد که: هرگاه دو نفر با یکدیگر ازدواج نمایند و زن از همسر قبلی خود دارای بچه‌ای باشد طرف دیگر ازدواج نسبت به آن کودک الزام و تعهد دارد. یک نکته درخصوص این ماده قانونی برداشت می‌شود و آن اینکه معنایی با دایرهٔ شمولیت بیشتری را به مفهوم بچه که در ماده ۵۵ بخش(۱) قانون حمایت از کودکان آمده است، به دست می‌دهد و با تسری ماده قانونی اخیر به ماده قانونی قبلی تفهیم می‌شود که معنای بچه در قانون حمایت از کودکان همان‌گونه که از آن تحت عنوان «بچه خانواده» یاد شده است، شامل فرزندان مشترک یا غیرمشترک(ناتنی) یا فرزندان به سرپرستی گرفته‌شده است. شروط استحقاق نفقهٔ اقارب در انگلستان به‌صورت یکجا به‌صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱. وجود رابطهٔ زوجیت بین والدین و به تبع آن وجود خانواده.
۲. وجود بچه خانواده.
۳. سن بچه کمتر از ۱۶ سال و ازدواج‌نکرده باشد.
۴. سن بچه کمتر از ۱۹ سال و در حال تحصیل باشد(غیر از تحصیلات عالی یا تکمیلی).

میزان نفقهٔ اقارب و ضمانت اجرا

فقه‌های زیادی ملاک تعیین و ارکان نفقه را عرف و عادت می‌دانند(عاملی جبعی، ۱۴۱۰هـ ص ۵۲۳). آنچه در عرف، نقش تعیین‌کننده دارد، زمان و مکان است؛ از این رو، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف احکام متفاوتی در این خصوص ایجاد می‌شود. اکثر فقها بر این نظر هستند که در نفقه مقدار معین شرط نیست، بلکه مقدار کفایت واجب است، به این معنا که احتیاج واجب‌النفقه مرتفع شود(عاملی جبعی، ۱۴۱۰هـ ص ۵۲۳؛ نجفی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۳)؛ حتی برخی از فقها

به‌رغم اینکه هزینه‌های درمان را جزء نفقه می‌دانند، هزینه‌های درمان امراض سختی را که عرفاً زیاد است و آن امراض به‌ندرت اتفاق می‌افتند، خارج از نفقه دانسته‌اند و علت آن را برخلاف عرف بودن این هزینه‌ها دانسته‌اند/صفهانی، ۱۳۵۲، ص ۶۹۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۱۶، ص ۳۱۷). همچنین در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی ایران، معیار عرفی پرداخت نفقه اقارب، درجه استطاعت منفق است، لکن این امر بدان معنا نیست که منفق بتواند به هر میزان که خواست انفاق کند، چراکه تکلیف وی بر رفع حاجت منفق علیه است؛ بنابراین، دو شرط مندرج در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی رفع احتیاج واجب‌النفقه و درجه استطاعت منفق ذکر شده است. پس براساس آراء فقهی و ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی ایران، منفق در صورت داشتن تمکن مالی، باید در حد زندگی متعارف و معمولی و متناسب با شأن و منزلت اجتماعی و خانوادگی منفق علیه، به اقارب خود انفاق کند. شرایط مذکور در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی، موجب متغیربودن میزان نفقه می‌شود و تغییرات اجتماعی و وضع زندگی افراد بر روی این مسئله تأثیر می‌گذارد و همین امر باعث تغییرات عرف حاکم بر تعیین میزان نفقه می‌شود؛ بنابراین، تغییر در میزان اجزاء و مصادیق نفقه اقارب در طول زمان امری دور از ذهن به نظر نمی‌رسد و برخلاف آنچه فقها و دکترین در زمان‌های متفاوت از میزان نفقه بیان داشته‌اند، این میزان، تنها منحصر در عصر خود و زمان نظریه‌پردازی خود است، لکن چارچوب و اساس حاکم بر تعیین میزان نفقه در زمان‌های مختلف واحد است و آن، عرف حاکم بر شأن خانوادگی و محل زندگی و اجتماعی منفق علیه است. نکته مهم درباره پرداخت نفقه اقارب آن است که بنا به گفتار علما و فقهای بزرگ، نفقه اقارب طبق شرایط بیان‌شده، لازم و واجب است و در هیچ شرایطی حتی پس از حکم حاکم، دین نمی‌شود و تا پیش از زمان پرداخت چیزی بر عهده منفق قرار نمی‌گیرد، بلکه این دستور مساوات و همیاری و مساعدت است و غیر از جنبه اخلاقی، نوعی الزام و تکلیف شرعی نیز است.

به نظر می‌رسد برخلاف نظر فقها و قانون مدنی ایران، بررسی اصولی نفقه، به ایجاد نظری متفاوت با آنچه بیان شد، انجامید؛ این در حالی است که فقها و حقوقدانان بر دین نشدن نفقه اقارب اتفاق نظر دارند. به‌طورکلی نفقه را می‌توان در زمره حقوق مالی دانست، ولی به لحاظ هدف پرداخت نفقه، مالی دانستن آن اندکی تأمل‌برانگیز است، چراکه هدف از

ایجاد حق مالی تنظیم روابطی است که به لحاظ استفاده از اشیا بین اشخاص وجود دارد و هدف از حقوق غیرمالی رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است. نفقه از حقوق مالی دینی و از واجبات عینی است که با نیاز مستحق النفقه، انفاق بر منفق واجب می‌شود. پس وجوب آن کاشف از زمان نیاز منفق علیه است و آنچه واجب است، ایجاد تکلیف می‌کند و عدم انجام تکلیف گناه است؛ و از طرفی چگونه ممکن است که شرط لازم بر وجوب امری کاشف از زمان وجود شرط باشد، ولی اصل وجوب آن کاشف از زمان وجود شرط نباشد؟ بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به وجوب انفاق به اقارب و کاشف بودن از زمان نیاز منفق علیه و الزام به ادای قضای تکلیف و همچنین رهنمون‌های دین اسلام که همواره دستگیری از مستمندان و یاری کردن آنان را سفارش کرده است، دین دانستن نفقه گذشته اقارب جای تأمل داشته باشد.

در حقوق انگلستان به صورت پراکنده در قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵م، تهیه‌ی مایحتاج ادامه‌ی حیات و فراهم آوردن نیازهای تحصیلی فرزندان بر عهده سرپرست فرزندان یا والدین وی قرار داده شده است. از آنجایی که فرزندان برخلاف زوجه قادر به اداره‌ی اموال و دارایی و نفقه خود به طور مستقیم نیستند، بنابراین اصل بر این است که سرپرست یا والدین، دارایی فرزندان را اداره کنند؛ در نتیجه نفقه نیز که از حقوق هر فرزندی است از این قاعده مستثنی نیست و اصل بر آن است که فرزندان در زمان زندگی مشترک با والدین، نفقه خود را از آنها دریافت می‌کنند و به این شکل هزینه‌های زندگی آنها تأمین می‌شود (Rager, 1996, P.24)؛ بنابراین، تعیین میزان نفقه فرزندان در صورتی مصداق پیدا می‌کند که این اصل مخدوش شود. در این صورت در کشور انگلستان وظایف حمایت از کودکان بر عهده دو نهاد حمایتی (آژانس حمایت از کودکان) و (مأمور حمایت‌کننده از کودک) محول می‌شود. نقش آژانس حمایت از کودکان، حمایت از کودکان بی سرپرست و کودکانی است که والدین آنها حاضر به نگهداری از آنها نیستند. همچنین این آژانس وظیفه ارزیابی و برآورد هزینه‌های نگهداری و اجرای مطالبات مخارج نگهداری از کودکان را برعهده دارد. در سال ۱۹۹۱م مشخص شد که آژانس در صورتی می‌تواند وارد عمل شود که یکی از سه شرط زیر وجود داشته باشد:

الف. والدین غایب باشند،

ب. یکی از والدین در حکم غایب باشد،

ج. یکی از والدین غایب، و والد دیگر در حکم غایب باشد.

والدینی غایب هستند که در محیط خانواده با فرزند زندگی نکنند و فرزند با کسی دیگر زندگی کند. اگر هر دو والد غایب باشند، آژانس می‌تواند آنها را مجبور به پرداخت نفقه به فرزند کند و زمانی که حمایت یکی از والدین نسبت به دیگر والد یا سرپرستی که حضانت بالاجتماع فرزند را دارند، کمتر باشد او را در حکم والد غایب می‌دانند؛ بنابراین هر زمان که اصل حمایت از کودکان، در خانواده مخدوش و نقض شود، آژانس حق دخالت دارد و رئیس آژانس می‌تواند میزان نفقه فرزند را به موجب قسمت دوم از قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵م، معین کند. درخصوص مأمور تعیین‌شده برای حمایت از کودک نیز چنین است (Rager, 1996, P.15). قانون جدید حمایت از کودکان تا حد زیادی صلاحیت محاکم مربوط به امور کودکان و نفقه او را محدود کرده است؛ از آن جمله می‌توان به ارزیابی و وصول نفقه کودک در زمان غیبت هر یک از والدین یا هردو آنها اشاره کرد، لکن این به آن معنا نیست که محاکم ویژه فاقد هرگونه صلاحیتی درخصوص نفقه کودکان هستند.

در خصوص ضمانت اجرا در حقوق ایران قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، عدم تأدیه نفقه افراد واجب النفقه را حبس تعزیری درجه شش یعنی مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حبس شش ماه تا دو سال است. درخصوص نفقه زوجه این نکته حائز اهمیت است که حمایت بیشتر از زوجه در نفقه وجود دارد و بنا به ماده ۱۲۰۶، زوجه درهرحال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی کند و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز است؛ درحالی‌که فرزندان و پدرومادر تنها نسب به آینده حق مطالبه دارند. علاوه‌براین، در صورت استنکاف نفقه، دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد به میزان لازم از اموال مستنکف در اختیار آنها قرار دهد. در انگلستان ضمانت اجرای کیفری درخصوص عدم تأدیه نفقه زوجه وجود ندارد؛ از این رو، می‌توان از طریق دادگاه‌های طلاق با ضمانت اجرای مدنی توقیف اموال نفقه را گرفت.

نفقه فرزندان گروه آسیب‌پذیر

در نظام حقوقی انگلستان ریاست آژانس، ارزیابی نفقه کودکانی را که دارای والدین غایب هستند، به مأمور حمایت از کودک واگذار می‌کند. شایان ذکر است که برای تعیین میزان نفقه کودکان همانند حقوق ایران، میزان معینی در دسترس نیست و میزان آن به عرف و دادگاه واگذار شده است. لکن وجه افتراق عمده‌ای که میان این دو نظام در این خصوص دیده می‌شود، تفاوت در تعیین معیارهای عرفی حاکم بر تعیین میزان نفقه اقارب است. در حقوق ایران استطاعت مالی منفق به‌طور عرفی بررسی و شأن و منزلت او و واجب‌النفقه در نظر گرفته می‌شود؛ اما در نظام حقوقی انگلستان استطاعت مالی منفق(والدین) در چارچوبی تعیین می‌شود که بی‌شبهت به فرمول محاسباتی نیست(بخش(۲ و ۳) ۱۱ قانون حمایت از کودکان ۱۹۹۵م). در این نظام، مقرر شده است که در ارزیابی نفقه کودک باید به میزان درآمد فرد منفق و همچنین درآمد حمایت‌شده توجه شود. درآمد حمایت‌شده عبارت است از حداقل سطح درآمد که پس از کسر نفقه حمایت‌شده باقی می‌ماند که درآمد والد غایب نباید از آن سطح پایین‌تر باشد(Williamson, 2000, P.604)؛ و درآمد والد غایب عبارت است از میزان درآمد فرد پس از کسر مالیات و سهم بیمه‌های ملی و آن قسمت از درآمدی که برای هزینه‌ها و مخارج ضروری روزانه والدین لازم است یا درآمد مستثنی‌شده یا معاف‌شده. آژانس غیراز این هزینه‌های معمول، اختیار ارزیابی هزینه تحصیل یا مخارج ناشی از ناتوانی جسمی یا مغزی و دیگر مخارج فوق‌العاده را نیز دارد. بخش(۱) ۹ و (۲) ۱۰ قانون سال ۱۹۹۵م، هرگونه توافقی را که پیش از ارزیابی، متصدی حمایت از کودک با والدین غایب درخصوص پرداخت دوره‌ای نفقه صورت داده است، اجرایی نمی‌داند و ارزیابی جدید را اجرایی می‌داند و ارزیابی‌های صورت‌گرفته تنها در موارد زیر بی‌اثر می‌شود:

۱. والد غایب یا شخص مراقبت‌کننده فوت کند؛
۲. کودکی که برای نفقه او ارزیابی انجام شده است، فوت کند؛
۳. زمانی که والد غایب یا شخص مراقبت‌کننده تصمیم به زندگی مشترک با کودک بگیرد و زندگی آنها تا شش ماه دوام یابد؛

۴. ارزیابی جدیدی برای کودک حائز شرایط صورت گیرد؛
 ۵. والد غایب یا شخص مراقبت‌کننده از حوزه پادشاهی انگلستان خارج شود و رابطه اقامتی‌اش را با این حوزه قطع کند و مقیم کشور دیگری شود.
در سیستم حقوقی انگلستان، دادگاه، ارزیابی نفقه کودک را بر عهده دارد. بخش (۳) ۸ قانون ۱۹۹۵، حوزه اختیارات آژانس را محدود به وقتی کرده که والدین غایب باشند یا کودک تحت سرپرستی دیگری باشد؛ بنابراین موارد صلاحیت دادگاه به شرح زیر است:
 ۱. در مواردی که خارج از اختیارات آژانس حمایت از کودکان و مأمور حمایت‌کننده از کودک باشد،
 ۲. وقتی کودک را والدین به فرزندپذیری پذیرفته باشند،
 ۳. وقتی کودک بین ۱۶ تا ۱۹ سالگی و مشغول به تحصیل باشد و در مرحله تحصیلات عالی یا تکمیلی نباشد،
 ۴. وقتی فرد ۱۹ سال یا بیشتر داشته و از نظر مالی وابسته به والدین خود باشد. اگر فرد ۱۹ سال به بالا در حال تحصیلات تکمیلی باشد، کودک محسوب نمی‌شود و می‌تواند برای الزام والدین به پرداخت نفقه و هزینه‌های زندگی به دادگاه درخواست بدهد.
- در حقوق ایران در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، در صورت عدم رعایت حقوق کودکان مطابق این قانون از آنها حمایت می‌شود. قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱، در ماده ۵۳ ضمانت اجرای عدم تأدیه نفقه مستوجب حبس درجه شش است. در حقوق انگلستان در مواردی که رئیس آژانس حمایت از کودکان، نتواند نفقه کودک را وصول کند، با اعطای درخواستی به دادگاه بخش، تقاضای حبس شخص متعهد را می‌کند. در این صورت ارکانی باید وجود داشته باشد که در زیر بیان می‌شود:
۱. احراز مسئولیت متعهد به پرداخت نفقه،
 ۲. عدم پرداخت نفقه با سوءنیت متعهد و ترک عمدی فعل منتسب به او باشد.
- در این‌گونه موارد دادگاه با توجه به وضعیت محکوم‌علیه به دو صورت رأی صادر می‌کند:
۱. متعهد مستنکف را به حبس محکوم می‌کند؛

۲. اجرای حکم حبس را تا مدتی معلق می‌کند و به وی مهلت پرداخت نفقه را می‌دهد و در صورت عدم پرداخت در موعد مقرر، حکم حبس به اجرا گذاشته می‌شود. این نکته مهم است که در صورت اجرای حکم حبس و خاتمه مدت آن، حداکثر ۶ هفته، آزادی متعهد منوط به پرداخت نفقه نمی‌شود و در صورت پرداخت بخشی از مبلغ نفقه در مدت زمان اجرای حکم حبس، متناسب با مبلغ پرداخت شده از مدت حبس وی کسر می‌شود؛ از این رو، بدیهی است در صورت پرداخت تمام مبلغ مشخص شده، اجرای حکم حبس متوقف می‌شود؛ دیگر آنکه بدون حضور متعهد نمی‌توان حکم غیابی حبس را صادر کرد و حبس علیه اشخاص زیر ۱۸ سال قابل اعمال نیست. مستند به بخش (۱) ۳۶ این قانون، اجرای توقیف اموال یا دستور الزام به پرداخت است. پس از اینکه قرار بدهی یا دستوری بر پرداخت نفقه علیه شخصی صادر شد، ریاست آژانس می‌تواند مبلغ مورد دستور را از فروش اموال محکوم علیه وصول کند. شایان ذکر است فقط اموالی را می‌توان فروخت که جزء مستثنیات دین نباشند و بدیهی است این دستور برای هر ذینفعی و حتی همسر و فرزندان محکوم علیه قابل تجدیدنظرخواهی است (Rager, 1996, P.25).

یافته‌های پژوهش

الزام به تأمین نفقه اقارب مبتنی بر حمایت از اقارب و خانواده است. این مهم هم در نظام عرفی و هم در نظام فقهی منبعث از آیات و روایات است که در قانون مدنی و حقوق ایران متجلی شده است. در نظام انگلستان تأمین نفقه مبتنی بر رویه عرفی است که در قالب قوانین آمده است. نفقه در حقوق ایران به همسر و فرزندان و پدر و مادر تعلق می‌گیرد؛ ولی در نظام انگلستان به همسر و فرزند و فرزند ناتنی و نفقه مبتنی بر قرارداد که در حقوق ایران نیز پذیرفته شده است، تعلق می‌گیرد؛ بنابراین دامنه شمول نفقه در حقوق ایران گسترده‌تر است. در نظام حقوقی ایران نفقه زوجه، دین محسوب می‌شود، لیکن در انگلستان و ایران نفقه ایام گذشته اقارب دین نمی‌شود. در نظام حقوقی ایران پرداخت نفقه اقارب بر مبنای رابطه خونی واجب می‌شود، لکن در حقوق انگلستان از جهت سرپرستی فرزندان خانواده این وظیفه بر عهده والدین است؛ و فرزندان همسر که از ازدواج یا زوجه قبلی باشند

نیز جزء فرزندان خانواده هستند. در حقوق انگلستان علاوه بر محاکم استان به موجب قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵م، آژانس حمایت از کودکان، وظیفه حمایت و وصول و تأمین مخارج کودکی را بر عهده دارد که والدین او غایب‌اند. ضمانت اجرای این قانون نیز حبس است. در حقوق ایران ضمانت اجرای مدنی و کیفری در صورت عدم تأدیة نفقه برای زوجه و اقارب وجود دارد؛ لیکن در انگلستان تنها درخصوص فرزند ضمانت اجرای کیفری و مدنی هست و درخصوص زوجه تنها ضمانت اجرای مدنی اعمال می‌شود؛ از این رو، نظام حقوقی ایران در بحث ضمانت اجرا و حق شمردن نفقه زوجه و توسعه دامنۀ نفقه به پدر و مادر از کارآمدی بهتری برخوردار است. البته نظام حقوقی انگلستان از جهت حمایت‌های آژانس و توسعه دامنۀ نفقه به فرزند ناتنی کارآمدتر از ایران تلقی می‌شود؛ از این رو به منظور کارآمدی نظام حقوقی پیشنهاد می‌شود:

۱. به منظور حمایت از فرزندان ناتنی دامنۀ مسئولیت خانواده به نفقه فرزندان ناتنی در ایران گسترش یابد. این رویکرد موجب گسترش دامنۀ مسئولیت زوج و حمایت از اطفال ناتنی می‌شود.

۲. در حقوق ایران علاوه بر ضمانت اجرای مدنی، برای حمایت از زوجه، ضمانت اجرای کیفری نیز پیش‌بینی شده است؛ از این رو ضمانت اجرای کیفری درخصوص عدم تأدیة نفقه زوجه، به منظور حمایت از وی و بازدارندگی از عدم پرداخت نفقه در نظام انگلستان پیش‌بینی شود.

۳. فرزندان و پدر و مادر از اهداف حمایت اقتصادی نفقه‌اند؛ از این رو دامنۀ نفقه درخصوص اقارب در حقوق ایران به مانند زوجه مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی پیش‌بینی شود؛ چون مطابق این ماده نفقه زوجه، دین، و طلب او طلب ممتاز محسوب شده است و طلب زوجه بر غرما مقدم است.

۴. برای حمایت از اقارب در نظام حقوقی انگلستان نفقه دین محسوب شود و طلب آنها بر طلبکاران دیگر مقدم شود.

منابع

- ارشدی، وحید؛ سلیمی‌فر، مصطفی؛ ناجی میدانی، علی‌اکبر؛ و مهram، بهروز (۱۳۹۴).
نظم‌پذیری جمعی درون خانواده: پدیده محوری در تأثیرپذیری عملکرد اقتصادی
از آموزه‌های اسلامی: مطالعه‌ای براساس نظریه زمینه‌ای. فصلنامه مطالعات
میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸(۱)، ص ۴۵-۷۰.
- اصفهانی، سیدابوالحسن (۱۳۵۲). وسیلة النجاة. جلد دوم، قم: انتشارات نیکنام.
اکبرینه، پروین (۱۳۷۲). نفقه اقارب در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد پنجم. نشرگنج دانش.
چاپ شانزدهم.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰هـ). تحریر الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳هـ). کفایة الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین (۱۴۱۲هـ). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار
الشامیه، چاپ نخست.
- صفای، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۵). مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، تهران، چاپ
چهل و سوم.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۱۰هـ). روضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة. تهران: نشر
داوری.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۱۶هـ). مسالك الافهام (شرح بر شرایع الاسلام).
تهران: مؤسسه المعارف الاسلامیه
- عبدی‌پور، ابراهیم؛ جعفری خسروآبادی، نصرالله (۱۳۹۲). نفقه زوجه و اقارب تقابل دو
مفهوم دین و تعهد، مجله علمی و پژوهشی حقوق اسلامی، ۱۰(۳۹)، ص ۳۵-۶۱.
- فیومی مقری، احمد بن محمد (۱۴۱۸هـ). المصباح المنیر (یوسف الشیخ محمد، محقق). بیروت:
مکتبه العصریه.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت انتشار.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸هـ). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محمدی نسب، سیف الله؛ نظری کله جویی، قاسم (۱۳۹۷). حق زن بر مازاد نفقه در فقه امامیه و حقوق ایران و انگلیس. پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، ۵ (۴)، ص ۱۹۳-۲۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. تهران: صدرا، چاپ نخست.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲هـ). *رساله نجاه العباد*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۶). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: مکتبه الاسلامیه. نیازی، قدرت الله؛ و رضانی، علی (۱۳۹۵). معیار نفقه زوجه، دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۱ (۲)، ص ۱۴۷-۱۳۱.
- Black, S. (1979). *Law Dictionary*, west publishing Co, St. Paul, Minn, 5th ed., London, England.
- Bromley, P.M (1976). *Family law*, 5th ed. London, Published Butterworths.
- Jadje, E. (2001). *Family law*, London pub. Company.
- Rager, B. (1996). *child maintenance*, 3th ed, London, jordan publishing.
- Williamson, O. E. (2000). The new institutional economics: taking stock, looking ahead. *Journal of Economic Literature*, 38 (3), P.595-613.
- Mary Catherine McGuire, J.D., Schackow, Gerald D., Esq., Bravo, Carmine M. (1995) *Florida Family Law Practice Manual*, Publisher Lexis Law Pub.